



سوره مریم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

1

كهِيعَص ﴿١﴾

کاف، هاء، یاء، عین، صاد [۱]

2

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا ﴿٢﴾

[آیاتی که بر تو خوانده می شود] یاد رحمت پروردگارت بر بنده اش زکریاست. [۲]

3

إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا ﴿٣﴾

هنگامی که پروردگارش را با دعایی پنهان خواند، [۳]

4

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا ﴿٤﴾

گفت: پروردگارا! به راستی استخوانم سست شده و [موی] سرم از پیری سپید گشته، و پروردگارا! هیچ گاه درباره دعا به پیشگاهت [از اجابت] محروم و بی بهره نبودم. [۴]

5

وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا ﴿٥﴾

و همانا من پس از خود از خویشاوندانم بیمناکم، و همسرم [از شروع زندگی] نازا بوده است، پس مرا از سوی خود فرزندی عطا کن. [۵]

6

يَرْثِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ ۖ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ﴿٦﴾

که از من و خاندان یعقوب ارث ببرد، و او را پروردگارا! [از هر جهت] مورد رضایت [خود] قرار ده. [۶]

7



يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا ﴿٧﴾

ای زکریا! ما تو را به پسری که نامش یحیی است، مژده می دهیم، [و] پیش از این همنامی برای او قرار نداده ایم. [۷]

8

قَالَ رَبِّ إِنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا ﴿٨﴾

گفت: پروردگار! چگونه برایم پسری خواهد بود در حالی که همسرم نازا بوده است و خود نیز از پیری به فرتوتی رسیده ام؟! [۸]

9

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا ﴿٩﴾

[فرشته وحی به او] گفت: چنین است [که گفتمی، ولی] پروردگارت فرمود: این [کار] بر من آسان است، و همانا تو را پیش از این در حالی که چیزی نبودی آفریدم. [۹]

10

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ﴿١٠﴾

گفت: پروردگار! برای من نشانه ای قرار ده. گفت: نشانه تو این است که سه شبانه روز در حالی که سالم هستی، قدرت سخن گفتن با مردم نخواهی داشت. [۱۰]

11

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُحْرَةً وَعَشِيًّا ﴿١١﴾

پس [به دنبال ناتوانی از سخن گفتن] از عبادتگاهش بر قومش درآمد و به آنان اشاره کرد که صبح و شام خدا را تسبیح گویند. [۱۱]

12

يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا ﴿١٢﴾

ای یحیی! کتاب را به قوت و نیرومندی بگیر؛ و به او در حالی که کودک بود، حکمت دادیم. [۱۲]

13

وَخَنَانًا مِنَ لَدُنَّا وَرَكَاهُ وَكَانَ تَقِيًّا ﴿١٣﴾

و از سوی خود مهرورزی [به همه مردم] و پاکی و شایستگی [به او عطا کردیم] و او همواره پرهیزکار بود. [۱۳]

14



وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا ﴿١٤﴾

و به پدر و مادرش نیکوکار بود و سرکش و نافرمان نبود. [۱۴]

15

وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ﴿١٥﴾

و بر او سلام باد روزی که زاده شد، و روزی که می میرد، و روزی که زنده برانگیخته می شود. [۱۵]

16

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ﴿١٦﴾

و در این کتاب [سرگذشت] مریم را یاد کن هنگامی که از خانواده اش [در] مکان شرقی کناره گرفت. [۱۶]

17

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿١٧﴾

و جدا از آنان پوشش و پرده ای برای خود قرار داد. و ما روح خود را به سوی او فرستادیم، پس برای او [به صورت] بشری خوش اندام و معتدل نمودار شد. [۱۷]

18

قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ﴿١٨﴾

مریم گفت: همانا من از تو به [خدای] رحمان پناه می برم، اگر پرهیزکار هستی [از من فاصله بگیر]. [۱۸]

19

قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ﴿١٩﴾

گفت: جز این نیست که من فرستاده پروردگار تو هستم برای آنکه پسری پاک و پاکیزه به تو ببخشم. [۱۹]

20

قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ﴿٢٠﴾

گفت: چگونه برای من پسری خواهد بود در حالی که نه هیچ بشری با من ازدواج کرده است و نه بدکار بوده ام. [۲۰]

21

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا ﴿٢١﴾



گفت: چنین است [که گفتی، ولی] پروردگارت فرموده است: این کار بر من آسان است و [فرزندی بدون ازدواج به او بخشیدن] برای این [است] که او را نشانه ای [از قدرت خود] برای مردم و رحمتی از سوی خود قرار دهیم؛ و این کار شدنی است. [۲۱]

22

فَحَمَلْتُهُ فَأَنْتَبَدْتُ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ﴿٢٢﴾

پس به عیسی حامله شد و به خاطر او در مکانی دور کناره گرفت. [۲۲]

23

فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا أَيْتَنِي مَثُ قَبِيلِ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا ﴿٢٣﴾

آن گاه درد زاییدن، او را به ناچار به جانب درخت خرما کشانید؛ [در آن حال] گفت: ای کاش پیش از این میمردم و یکسره از خاطره ها فراموش شده بودم. [۲۳]

24

فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿٢٤﴾

پس کودک از زیر [پای] او ندایش داد: غمگین مباش که پروردگارت از زیر [پای] تو نهر آبی پدید آورده است [تا بیاشامی و شستشو کنی]. [۲۴]

25

وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا ﴿٢٥﴾

و تنه خرما را به سوی خود بجنبان تا برایت خرمای تازه و از بار چیده بریزد. [۲۵]

26

فَكُلِي وَاشْرَبِي وَفَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيَنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنَّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا ﴿٢٦﴾

پس [از آن خرما] بخور و [از آن نهر] بیاشام و خاطرت را شاد و خوش دار، و اگر از مردم کسی را دیدی [که درباره نوزادت پرسید] بگو: من برای [خدای] رحمان روزه [سکوت] نذر کرده ام، پس هرگز امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت. [۲۶]

27

فَأَنْتَ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ طَّقَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ﴿٢٧﴾

آن گاه نوزاد را در حالی که [در آغوش] حمل می کرد، نزد قومش آورد. گفتند: ای مریم! به راستی که تو کاری شگفت [و بی سابقه و ناپسندی] مرتکب شده ای. [۲۷]

28



يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ أَمْرًا سَوِيًّا وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا ﴿٢٨﴾

ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود و نه مادرت بدکاره بود [این طفل را از کجا آورده ای؟] [٢٨]

29

فَأَسَارَتْ إِلَيْهِ فَقَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ﴿٢٩﴾

پس مریم به نوزاد اشاره کرد [که از او بپرسید]. گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره است، سخن بگوییم؟! [٢٩]

30

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ﴿٣٠﴾

نوزاد [از میان گهواره] گفت: بی تردید من بنده خدایم، به من کتاب عطا کرده و مرا پیامبر قرار داده است. [٣٠]

31

وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ﴿٣١﴾

و هر جا که باشم بسیار بابرکت و سودمندم قرار داده، و مرا تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است. [٣١]

32

وَدَبَّرًا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا سَفِيًّا ﴿٣٢﴾

و مرا نسبت به مادرم نیکوکار [و خوش رفتار] گردانیده و گردنکش و تیره بختم قرار نداده است. [٣٢]

33

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ﴿٣٣﴾

و سلام بر من روزی که زاده شدم، و روزی که می میرم، و روزی که زنده برانگیخته می شوم. [٣٣]

34

ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٣٤﴾

این است عیسی بن مریم، همان قول حق که [یهود و نصاری] درباره او در تردیدند. [٣٤]

35

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٣٥﴾

خدا را نسزد که هیچ فرزندی [برای خود] برگیرد؛ او منزّه است؛ چون پدید آمدن چیزی را اراده کند، فقط به آن می گوید: باش، پس بی درنگ موجود می شود. [٣٥]



36

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۗ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٣٦﴾

[عیسی گفت:] بی تردید خدا [ی یکتا] پروردگار من و شماست؛ پس او را بپرستید [که] این راهی راست است. [۳۶]

37

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٣٧﴾

ولی گروه هایی از میان آنان [درباره عیسی] اختلاف کردند، پس وای بر کسانی که [با افراط در شأن عیسی] کافر شدند از حضور در روزی بزرگ! [۳۷]

38

أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُوتَنَّا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٣٨﴾

آنان روزی که به سوی ما می آیند [نسبت به حقایق] چه شنوا و چه بینا می شوند، ولی امروز ستمکاران در گمراهی آشکارند. [۳۸]

39

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٩﴾

و آنان را از روز حسرت آن گاه که کار از کار بگذرد بترسان، در حالی که آنان در بی خبری [شدیدی] هستند و ایمان نمی آورند. [۳۹]

40

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿٤٠﴾

یقیناً مایم که زمین و همه کسانی را که روی آن قرار دارند به میراث می بریم و [همه] به سوی ما بازگردانده می شوند. [۴۰]

41

وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ ۚ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ﴿٤١﴾

و در این کتاب، [سرگذشت] ابراهیم را یاد کن، یقیناً او بسیار راستگو و پیامبر بود. [۴۱]

42

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا ﴿٤٢﴾

آن گاه که به پدر [خوانده] آش گفت: پدرم! چرا چیزی را که نمی شنود و نمی بیند و نمی تواند هیچ آسیب و گزند را از تو برطرف کند، می پرستی؟! [۴۲]



43

يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا ﴿٤٣﴾

پدرم! همانا برای من [از طریق وحی] دانشی آمده که تو را نیامده؛ بنابراین از من پیروی کن تا تو را به راهی راست راهنمایی کنم. [۴۳]

44

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا ﴿٤٤﴾

پدرم! شیطان را مپرست؛ زیرا شیطان همواره نسبت به خدا نافرمان است. [۴۴]

45

يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ﴿٤٥﴾

پدرم! به یقین می ترسم که عذابی از سوی [خدای] رحمان به تو برسد، و در نتیجه همنشین شیطان شوی. [۴۵]

46

قَالَ أَرَأَيْبَ أَنْتَ عَنْ إِلَهِي يَا إِبْرَاهِيمُ طَلْنُ لَمْ تَنْتَه لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا ﴿٤٦﴾

گفت: ای ابراهیم! آیا تو از معبودهای من روی گردانی؟ اگر [از بت ستیزی] باز نایستی، قطعاً تو را سنگسار می کنم، و [تا از من آسیبی به تو نرسیده] زمانی طولانی از من دور شو. [۴۶]

47

قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا ﴿٤٧﴾

ابراهیم گفت: سلام بر تو، به زودی از پروردگام برای تو آمرزش می خواهم؛ زیرا او همواره نسبت به من بسیار نیکوکار و مهربان است. [۴۷]

48

وَأَعْتَزَلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا ﴿٤٨﴾

و من از شما و معبودانی که به جای خدا می خوانید، کناره می گیرم و پروردگام را می خوانم، امید است در خواندن پروردگام [از اجابت او] محروم و بی بهره نباشم. [۴۸]

49

فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ط وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ﴿٤٩﴾

پس هنگامی که از آنان و آنچه جز خدا می پرستیدند، کناره گرفت، اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و هر یک را پیامبر قرار دادیم. [۴۹]



50

وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ﴿٥٠﴾

و به آنان از رحمت خود بخشیدیم، و برای آنان [در میان مردم] نامی نیک و ستایشی و الامر تبه قرار دادیم. [۵۰]

51

وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ ۚ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ﴿٥١﴾

و در این کتاب، [سرگذشت] موسی را یاد کن، بی تردید او انسانی خالص شده و فرستاده ای پیامبر بود. [۵۱]

52

وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ﴿٥٢﴾

و او را از جانب راست طور ندا کردیم، و او را در حالی که با وی راز گفتیم، مقرب خود قرار دادیم. [۵۲]

53

وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا ﴿٥٣﴾

و از رحمت خود برادرش هارون را که دارای مقام پیامبری بود، به او بخشیدیم. [۵۳]

54

وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ ۚ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ﴿٥٤﴾

و در این کتاب، [سرگذشت] اسماعیل را یاد کن، که او وفا کننده به عهد و فرستاده ای پیامبر بود. [۵۴]

55

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ﴿٥٥﴾

و همواره خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد، و نزد پروردگارش پسندیده بود. [۵۵]

56

وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ ۚ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ﴿٥٦﴾

و در این کتاب، [سرگذشت] ابریس را یاد کن، که او بسیار راستگو و پیامبر بود. [۵۶]

57

وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ﴿٥٧﴾



و او را به جایگاه و مقام بلندی ارتقا دادیم. [۵۷]

58

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا ۗ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا ﴿٥٨﴾

اینان کسانی از پیامبران بودند که خدا به آنان نعمت داد، از نسل آدم و از نسل کسانی که با نوح در کشتی سوار کردیم و از نسل ابراهیم و اسرائیل و از کسانی که آنان را هدایت کردیم و برگزیدیم؛ هنگامی که آیات [خدای] رحمان بر آنان خوانده می شد، سجده کنان و گریان به رو می افتادند. [۵۸]

59

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا ﴿٥٩﴾

سپس بعد از آنان نسلی جایگزین [آنان] شد که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند؛ پس [کیفر] گمراهی خود را [که عذابی دردناک است] خواهند دید. [۵۹]

60

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ﴿٦٠﴾

مگر آنان که توبه کرده و ایمان آورده و کار شایسته انجام داده اند، پس آنان به بهشت در آیند و ذره ای مورد ستم قرار نمی گیرند. [۶۰]

61

جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ ۗ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ﴿٦١﴾

بهشت های جاویدی که [خدای] رحمان به بندگانش وعده داده در حالی که اکنون از نظرها پنهان است، یقیناً وعده خدا آمدنی است. [۶۱]

62

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا ۗ وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ﴿٦٢﴾

در آنجا کلام لغو و بیهوده ای نمی شنوند، بلکه آنچه می شنوند فقط سلام و درود است؛ و در آنجا صبح و شام، رزقشان برای آنان [آماده] است. [۶۲]

63

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَوَّابًا ﴿٦٣﴾

این است بهشتی که به هر کس از بندگان خود که پرهیزکار باشد، به میراث می دهیم. [۶۳]

64



وَمَا تَنْتَزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ ۗ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ﴿٦٤﴾

و [ای رسول خدا! ما فرشتگان] جز به فرمان پروردگارت نازل نمی شویم. [آگاهی به] آنچه مربوط به آینده ماست و آنچه مربوط به گذشته ماست و آنچه میان گذشته و آینده است، ویژه اوست؛ و پروردگارت هیچ گاه فراموشکار نیست. [۶۴]

65

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ ۗ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا ﴿٦٥﴾

[اوست] پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو قرار دارد؛ پس او را بپرست و بر پرستیدنش شکبیا باش. آیا برای او همنامی می دانی [که او هم پروردگار آسمان ها و زمین باشد؟!]. [۶۵]

66

وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا ﴿٦٦﴾

و انسان می گوید: آیا زمانی که بمیرم به راستی زنده [از خاک] بیرونم می آورند؟ [۶۶]

67

أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا ﴿٦٧﴾

آیا انسان به یاد نمی آورد [و توجه ندارد] که ما او را پیش از این در حالی که چیزی نبود، آفریدیم. [۶۷]

68

فَوَرَبِّكَ لَنَحْضُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينُ ثُمَّ لَنَحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ﴿٦٨﴾

پس به پروردگارت سوگند، آنان را [که بدون دلیل و از روی جهل و نادانی منکر زنده شدن مردگانند] با شیاطین محشور می کنیم، سپس آنان را در حالی که به زانو درآمده اند، گرداگرد دوزخ حاضر خواهیم کرد. [۶۸]

69

ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا ﴿٦٩﴾

آن گاه از هر گروهی، آنان که بر خدای رحمان عاصی و سرکش تر بوده اند، بیرون می کشیم. [۶۹]

70

ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا ﴿٧٠﴾

سپس ما به کسانی که برای سوختن در دوزخ سزاوارترند، داناتریم. [۷۰]

71

وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ﴿٧١﴾



و هیچ کس از شما نیست مگر آنکه وارد دوزخ می شود، [ورود همگان به دوزخ] بر پروردگارت مسلم و حتمی است . [۷۱]

72

ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًا ﴿٧٢﴾

سپس آنان را که [از کفر، شرک، فساد و گناه] پرهیز کردند، نجات می دهیم، و ستمکاران را که به زانو در افتاده اند، در دوزخ رها می کنیم. [۷۲]

73

وَإِذَا تَنَزَّلَتْ عَلَيْهِمُ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿٧٣﴾

و هنگامی که آیات روشن ما را بر آنان می خوانند، کافران به آنان که ایمان آورده اند، می گویند: کدام یک از ما دو گروه، جایگاهش [از جهت مادی] بهتر و مجلس آنس [از لحاظ اجتماعی و سیاسی] نیکوتر است؟ [۷۳]

74

وَكَمَّ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَنْثًا وَرِثِيًّا ﴿٧٤﴾

و چه بسیار اقوامی را پیش از آنان هلاک کردیم که لوازم زندگی بهتر [و منظر] و ظاهری [خوش نماتر و] نیکوتر داشتند. [۷۴]

75

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الصَّلَاةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا ۗ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا ﴿٧٥﴾

بگو: آنان که در گمراهی قرار دارند، باید [خدای] رحمان [بر پایه سنت جاری خود] به آنان مهلتی معین دهد، تا زمانی که آنچه را به آنان وعده داده اند ببینند، یا عقوبت و شکنجه [در دنیا] را یا عذاب قیامت را؛ پس به زودی خواهند دانست چه کسی جایگاهش بدتر و سپاهش ناتوان تر است؟! [۷۵]

76

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى ۗ وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا ﴿٧٦﴾

و آنان که هدایت یافته اند، خدا بر هدایتشان می افزاید، و اعمال شایسته پایدار نزد پروردگارت از جهت پاداش بهتر و از لحاظ بازدهی نیکوتر است. [۷۶]

77

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا ﴿٧٧﴾

آیا دیدی آن کسی را که به آیات ما کافر شد و گفت: [به خاطر انتخاب آیین شرک و کفر] به من مال و اولاد بسیار خواهند داد؟! [۷۷]



78

أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿٧٨﴾

آیا [او درباره رسیدن به مال و اولاد بسیار] بر غیب آگاهی یافته، یا پیمانی [بر این عطای فراوان] از سوی [خدای] رحمان دریافت نموده است؟ [٧٨]

79

كَلَّا سَتَكُنُّبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا ﴿٧٩﴾

این چنین نیست [که او می گوید]، ما به زودی آنچه را می گوید [در پرونده عملش] خواهیم نوشت و عذابش را همواره ادامه خواهیم داد. [٧٩]

80

وَنَرُّهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا ﴿٨٠﴾

و آنچه را که [از مال و فرزندی] می گوید، از او به میراث می بریم، و تنها نزد ما خواهد آمد. [٨٠]

81

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا ﴿٨١﴾

و به جای خدا معبودانی گرفتند تا برای آنان مایه عزت و توانمندی باشد. [٨١]

82

كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا ﴿٨٢﴾

چنین نیست، به زودی [آن معبودان] پرستش آنان را انکار می کنند و دشمنشان خواهند شد. [٨٢]

83

أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوْرَهُمْ آزًا ﴿٨٣﴾

آیا ندانسته ای که ما شیطان ها را بر کافران فرستادیم تا آنان را به شدت به سوی گناهان و شهوات برانگیزند. [٨٣]

84

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَذًّا ﴿٨٤﴾

بنابراین بر [شکست و هلاکت] آنان شتاب مکن، ما [همه اعمال و رفتار حتی لحظات عمرشان را] به دقت شماره می کنیم [تا مهلتشان تمام شود و به کیفر آنچه همواره مرتکب می شدند، برسند]. [٨٤]

85



يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا ﴿٨٥﴾

[یاد کن] روزی را که پرهیزکاران را به ضیافت و میهمانی [خدای] رحمان گرد می آوریم. [۸۵]

86

وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَرِدًّا ﴿٨٦﴾

و مجرمان را تشنه به سوی دوزخ می رانیم. [۸۶]

87

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿٨٧﴾

[شفیعان در آن روز] قدرت بر شفاعت ندارند مگر کسانی [مانند پیامبران، امامان، فرشتگان و اولیا] که از نزد [خدای] رحمان، پیمانی [بر اذن شفاعت] گرفته باشند. [۸۷]

88

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ﴿٨٨﴾

و [مشرکان] گفتند: [خدای] رحمان برای خود فرزندی گرفته است. [۸۸]

89

لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا ﴿٨٩﴾

به راستی که چیزی بسیار زشت و نسبتی بس ناروا [به میان] آورده اید. [۸۹]

90

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَنْفَطَرْنَ مِنْهُ وَتَنْسِقُ الْأَرْضُ وَتَجْرُ الْجِبَالُ هَدًّا ﴿٩٠﴾

نزدیک است آسمان ها از این [ادعای بی اصل و سخن ناروا] پاره پاره شوند، و زمین بشکافد، و کوه ها به شدت در هم بشکنند و فرو ریزند!! [۹۰]

91

أَنْ دَعَا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ﴿٩١﴾

به خاطر آنکه برای [خدای] رحمان فرزندی ادعا کرده اند. [۹۱]

92

وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ﴿٩٢﴾



و [خدای] رحمان را نسزد که فرزندی اختیار کند. [۹۲]

93

إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِيَ الرَّحْمَنَ عَبْدًا ﴿٩٣﴾

هیچ کس در آسمان ها و زمین نیست مگر اینکه [ذاتاً] بنده [و مملوک] به سوی [خدای] رحمان می آید. [۹۳]

94

لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ﴿٩٤﴾

به یقین همه آنان را [با قدرت و دانشش کنترل و] احاطه نموده و درست و دقیق شماره کرده است. [۹۴]

95

وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا ﴿٩٥﴾

و روز قیامت همه آنان تنها به پیشگاه او می آیند. [۹۵]

96

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ﴿٩٦﴾

قطعاً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، به زودی [خدای] رحمان برای آنان [در دل ها] محبتی قرار خواهد داد. [۹۶]

97

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَا بِلِسَانِكَ لِنُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَنُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا ﴿٩٧﴾

جز این نیست که ما این [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا به وسیله آن پرهیزکاران را مژده دهی و مردم ستیزه جو را بترسانی. [۹۷]

98

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْرًا ﴿٩٨﴾

و چه بسیار ملت ها را پیش از آنان [به سبب طغیانشان] هلاک کردیم. آیا کسی از آنان را می یابی، یا هیچ زمزمه و صدایی آهسته از آنان می شنوی؟ [۹۸]